

# بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



ژوئن 2020 - خرداد 1399

شماره 84

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

<http://nahadha.blogspot.com/>

[boltanxaberi@gmail.com](mailto:boltanxaberi@gmail.com)

<https://t.me/nahadhayehambastegi>



## ما هم نمی توانیم نفس بکشیم!

## وطن پرستی یعنی نفرت از وطن های دیگر!

## خصوصی سازی، حراج زندگی

## بر علیه بیانیه و تومار همسو با عاملان ضد کارگری رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

## جنایتی دیگر علیه افغانستانی ها در ایران

## انتقاد سندیکای هفت تپه به نحوه انتخاب نماینده توسط IUF

"ایالات متحده آمریکا، ایران، فرانسه، ترکیه، شیلی، اسرائیل..."  
سیستم های مشابه، سیستم پلیسی مشابه، بهره کشی مشابه!

## نابود باد سرمایه داری!

## تا عدالتی نباشد، صلحی هم نخواهد بود!

# ما هم نمی‌توانیم نفس بکشیم!

دنیا جرج فلوید را شناخت. اسمش را شنید. بدون استثنا در همه‌ی کشورها، مردم با دیدن صحنه‌ی دلخراش مرگ او دلشان به درد آمد، خشمگین شدند و به هر شکل ممکن علیه خشونت و سرکوب پلیس آمریکا اعتراض کردند. در همبستگی با این اعتراض، معترضان نه تنها در آمریکا، که در اروپا، کانادا، استرالیا و... هم به خیابان‌ها آمدند، در حالی که بنرهایی با شعارهای زیر با خود حمل می‌کردند:

**به‌خاطر سیستمی که بحران، جنگ و نژادپرستی ایجاد می‌کند، فضای نفس کشیدن وجود ندارد!**

**این ترامپ است، او‌باما بود، و در صدر همه، این سرمایه‌داری جهانی‌ست!**

**سرمایه‌داری ما را خفه می‌کند!**

**سرمایه‌داری یعنی من نمی‌توانم نفس بکشم!**

**سیاه‌پوستان حق زندگی شایسته دارند!**

**تا عدالتی نباشد، صلحی هم نخواهد بود!**

و این‌ها مردم بودند. ۹۹ درصدی‌هایی در یک صف که نفسشان از انواع تبعیض‌ها بند آمده است.

اما در صفی دیگر، ریاکاران بر ثروت و قدرت نشسته، اشک تمساح ریختند و با استفاده از قدرت رسانه‌هایشان قصد موج‌سواری بر جنبش اعتراضی علیه خشونت ساختاری را دارند. نمایش تهوع آور این سرکوبگران و حافظان نظم موجود و همدردی‌شان با جرج فلوید کسی را فریب نمی‌دهد چرا که کاملاً آشکار است باز می‌خواهند از این نم‌هم کلاهی برای خود بدوزند!

به زعم آنان جرج فلوید نام و نشان دارد، اما جوان‌های خوزستان که در نزارهای جراحی قتل عام شدند، چه بی‌نام و نشانند؟! کشته شدگان بی‌تدفین‌اند؟! کشته شدگان آبان هر کدام یک جرج فلوید نبودند؟ کشته شدگان هواپیمای اوکرائینی که عمداً مورد اصابت موشک قرار گرفتند، جرج فلوید نبودند؟ آن زمان که دروغ گفتید و حتی اجازه ندادید مراسم یاد بود بگیرند؟ میلیون‌ها نفر از مردم ایران که نان شب ندارند، به‌جای مسکن چادرنشین شده‌اند، کولبری می‌کنند و به جای نان گلوله نثارشان می‌کنید، جرج فلوید نیستند؟! میلیون‌ها نفری که خطر کرونا را با خطر گرسنگی تاخت زده و شاهد ابتلا و مرگ بیشتر و بیشتر آنها هستیم کم از جرج فلوید دارند؟! کارگران افغانستانی جرج فلوید نبودند که آن‌ها را توی رودخانه انداختید تا خوراک ماهی‌ها شوند؟! رومینا که سلاخی شد و آسیه که با لودر به قتل رسید هم‌سرنوشت «فلویدها» نیستند؟!

ده‌ها نمونه می‌توان برشمرد تا نشان داده شود که مشقت گره کرده‌ی ۹۹ در صدی‌ها در همه‌ی جهان و از جمله ایران در همدردی با جرج فلوید یک «نه» تاریخی است که فقط حکومت و پلیس آمریکا را مورد خطاب قرار نمی‌دهد بلکه علیه همه‌ی نمادهای ساختاری‌ای است که تبعیض علیه زنان، مزدبگیران، رنگین‌پوستان، مهاجران و سایر اقلیت‌ها را در لوای مردسالاری، استثمار و

## کارگران جهان متحد شویم!

سودمحوری، ناسیونالیسم و نژادپرستی به رسمیت می‌شناسد. این تبعیض‌ها همگی از ملزومات سرمایه‌داری هستند.

جنبش رنگین پوستان و سرکوب ساختارمند آن‌ها به امروز و دیروز محدود نمی‌شود. بارها و بارها خشونت، سرکوب و ترور تنها پاسخ حاکمیت آمریکا به خواسته‌های سیاهپوستانی بوده است که عدالت و برابری را فریاد زده و علیه گتوسازی و «دیگری» قلمداد کردن خود تظاهرات کرده‌اند. این بار هم ترامپ به عنوان راست‌ترین و هارترین جناح سرمایه‌داری در آمریکا، پلیس و نیروهای امنیتی‌اش را به رخ معترضان می‌کشد.

ما همگی درد مشترک داریم

ما درد مشترک داریم. ما هم ۴۱ سال است که گلویمان فشرده می‌شود. از فردای انقلاب با فتوای حجاب اجباری، از اعدام‌های دهه‌ی ۶۰، از زمانی که بهترین فرزندان مردم «خس و خاشاک» خوانده و سرکوب شدند، از شلاق خوردن کارگران و حبس معترضان، تا همین دیروز و امروز... اما با گلوی فشرده باز هم آوای مقاومت و رهایی سر می‌دهیم. هم‌سرایای ای چنان بلند که از هم اکنون از هر گوشه‌ی جهان شنیده می‌شود.

زنان آرزم (آورد رهایی زنان و مردان)



**"ایالات متحده آمریکا، ایران، فرانسه، ترکیه، شیلی، اسرائیل... " سیستم های مشابه، سیستم پلیسی مشابه، بهره‌کشی مشابه! نابود باد سرمایه‌داری!**

## وطن پرستی یعنی نفرت از وطن های دیگر!

آقای کوینر لازم نمی‌دید در کشور خاصی زندگی کند. می‌گفت: «من همه جا می‌توانم گرسنگی بکشم.» اما روزی از شهری که در آن‌جا زندگی می‌کرد و دشمن آن را اشغال کرده بود می‌گذشت. در این حین یکی از افسران دشمن از روبرو آمد و او را مجبور کرد که از پیاده‌رو به سمت پایین برود. آقای کوینر از پیاده‌رو به سمت پایین رفت ولی حس کرد در درونش خشمی علیه این مرد برانگیخته شده و نه تنها علیه این مرد بلکه مخصوصاً علیه کشوری که وی به آن تعلق دارد و آرزو کرد، ای کاش این کشور از روی کره زمین محو می‌شد. آقای کوینر از خود پرسید:

«چرا من در این لحظه ناسیونالیست شدم؟ برای این‌که با یک ناسیونالیست روبرو شدم. اما صرفاً به همین دلیل هم که شده باید حماقت را ریشه‌کن کرد، چون هر چیزی را هم که با آن روبرو شود احمق می‌کند.»

آقای کوینر گفت، وطن پرستی هم مثل هر عشق دیگری مسئولیت سنگین و بار گرانی خود خواسته است و البته که بی‌اندازه هم برای سوژه عشق [آن چیزی که دوستش می‌داریم] دردسرساز. قضیه وطن دوستی که در حکم نفرت از وطن‌های دیگر ظاهر می‌شود، با این موضوع تفاوت اساسی دارد. این مسئله برای همه دردسرساز می‌شود.

"برتولت برشت"

## انتقاد سندیکای هفت‌تپه به نحوه انتخاب نماینده توسط IUF

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه در واکنش به اقدام اخیر IUF جوابیه‌ای صادر کرد. به گزارش خبرنگار ایلنا، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه خطاب به کنفدراسیون IUF نامه‌ای منتشر کرده است که در بخشی از این نامه نسبت به عملکرد این کنفدراسیون در انتخاب نماینده کارگران هفت‌تپه در دادگاه امید اسدیگی انتقاد شده است.

پیش از این کنفدراسیون بین‌المللی مواد غذایی (IUF)، با ارسال نامه‌ای از فریدون نیکوفرد به عنوان نماینده اتحادیه صنفی کارگران هفت‌تپه و عضو کنفدراسیون مواد غذایی IUF درخواست کرده بود که در جلسه رسیدگی به پرونده امید اسدیگی و سایر متهمان در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاگران و مفسدان اقتصادی حاضر شود.

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه در بخشی از نامه در واکنش به این انتخاب نوشت: «اگر قرار است IUF، نظراتی درباره حضور اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه در جلسات دادگاهی امید اسدیگی و سایر متهمین پرونده اختلاس ارزی یا موارد دیگر داشته باشد، چرا با سندیکای کارگران هفت‌تپه تماس نگرفته است؟» در بخش دیگری از این نامه می‌خوانیم: «از نظر حقوقی آی یو اف (IUF) این اجازه را ندارد که در روابط تشکیلاتی و داخلی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه دخالت مستقیم داشته باشد و به نمایندگی از طرف سندیکای هفت‌تپه، شخص و یا اشخاصی را برای انجام اموری که ارتباط مستقیمی به انجام وظایف سندیکا کارگران هفت‌تپه دارد، دخالتگری داشته باشد، مگر اینکه با هماهنگی قبلی با سندیکای کارگران هفت‌تپه در این مورد به توافق رسیده باشند. دوم اینکه آقای فریدون نیکوفرد عضو سندیکای کارگران هفت‌تپه نمی‌باشند.»

در توضیح این مطلب آمده است: «آقای فریدون نیکوفرد بطور شخصی هم از سندیکای هفت‌تپه، استعفا خود را به هیئت مدیره تحویل داده‌اند.» در پایان این نامه تاکید شد: «رعایت حقوق و موازین داخلی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه یکی از پیش‌شرط‌های روابط ما با دیگر تشکلهای ما می‌باشد و لازم است که، آی یو اف در این زمینه شفاف‌سازی کرده و مشخص کند چه کسانی به نام سندیکای کارگران هفت‌تپه با آنها در تماس هستند؟»



## در دفاع از نامه سرگشاده

### سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

#### در رابطه با پیام کنفدراسیون ای یو اف

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار نامه سرگشاده ای در تاریخ 11 خرداد در رابطه با متن منتشر شده کنفدراسیون ای یو اف (کنفدراسیون بین المللی مواد غذایی) در فضای مجازی بتاريخ 20 مه 2020 عکس العمل نشان داد. ای یو اف در پیامی خطاب به مسئولین جلسه دادگاهی امید اسد بیگی، کارفرمای شرکت نیشکر هفت تپه، خواستار حضور آقای فریدون نیکو فرد به عنوان نماینده مجاز ای یو اف و نیز کارگران هفت تپه در آن شده است.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه که عضو کنفدراسیون بین المللی مواد غذایی می باشد در نامه سرگشاده اش ضمن توضیحاتی کوتاه درباره آقای فریدون نیکو فرد، ای یو اف را بدرست مورد سوالات جدی قرار داده است. ای یو اف با سندیکای کارگران هفت تپه تماس نگرفته است. ای یو اف بخود اجازه داده است در روابط داخلی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه دخالت کند و برایش تعیین تکلیف کند. وبالاخره این که آقای فریدون نیکو فرد نه تنها عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه نیست بلکه بر عکس به همراه آقای رضا رخشان، از رستمی کارفرمای دیگر شرکت در مقابل کارگران حمایت کرده اند و به تفرقه و دو دستی در میان آنها پرداخته اند.

ما ضمن اعلام همبستگی بامبارزات کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و سندیکای مستقل آنان از نامه سرگشاده این سندیکا حمایت می کنیم و پیام ای یو اف را که تمانن علیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و با همراهی کارچاق کن های داخل و خارج از ایران تنظیم شده است محکوم می کنیم و در افشای تمام و کمال این توطئه دریغ نخواهیم کرد.

#### نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور

دوشنبه 12 خرداد 1399 - اول ژوئن 2020

<http://nahadha.blogspot.com/>

<https://t.me/nahadhayehambastegi>



## بر علیه بیانیه و تومار همسو با عاملان ضد کارگری رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

هرسال، در اسفندماه و روزهای آخر سال " نرخ حداقل دستمزد " اعلام می شود در نبود تشکل های کارگری رژیم و نمایندگانش گرد هم می آیند تا بر سر معیشت کارگران در سال آینده معامله نمایند. بحث بر سر دستمزد کارگران تنها به آخر سال و تصمیم شورای عالی کار محدود نمی شود بخش بزرگی از مبارزه کارگران و اعتصاباتشان به خواسته دستمزدهای معوقه و نیز خواست افزایش آن برمی گردد، یعنی بحث دستمزدها عرصه مهمی از مبارزه طبقه کارگر با سرمایه داری ایران است.

امسال هم در تاریخ بیستم فروردین ماه ۱۳۹۹ شورای عالی کار بعد از برگزاری چند بار جلسه و به تعویق انداختن اعلام دستمزدها به بهانه کرونا سرانجام نمایندگان کارفرما و دولت بدون توافق نظر نمایندگان کارگری شورای اسلامی، دستمزد ۹۹ را با افزایش ۲۱ درصد به تصویب رسانده و اعلام نمودند.

بلافاصله با توجه به صدای بلند اعتراض توده کارگران و تشکل های مستقل به این افزایش ناچیز، که برای دومین بار حتی با مصوبات خود رژیم در باره تطابق تورم و افزایش دستمزد هم خوانائی نداشت، بیانیه ای با امضای ۵ هزار نفر در جهت دفاع از عمل نمایندگان خود برگزیده کارگری شورای عالی کار (که توسط شوراهای اسلامی کار تعیین شده بودند) منتشر شد، تا جانب این عمل آنان را بگیرد و خواستار لغو رقم ۲۱ درصد افزایش دستمزد و نیز از سرگیری دیگر باره مذاکرات سه جانبه گرایی برپایه توجه به اصل ۴۱ قانون کار شد.

بیانیه نویسان که بعد شماره امضاء های خود را به ۶۰۰۰ نفر رساندند؛ خواهان اصلاح قانونی ساختار شورای عالی کار و بالابردن تعداد کارگران در آن ترکیب شدند. بیانیه در ادامه با اشاره به "حق تشکل یابی مستقل" بر اساس مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار و حمایت از "نمایندگان کارگری" در شورای عالی کار، خواهان لغو مصوبه حداقل دستمزد ۹۹ و "بازگشت به میز مذاکره" با همین ترکیب موجود شده است.

باید یادآوری کرد که آنچه سه جانبه گرایی نامیده میشود، شامل دولت که خود به عنوان بزرگترین سرمایه دار و کارفرما، هم داور است و هم طرف دعوا، و افرادی که به نام نمایندگان کارگران در شورای عالی کار خود را معرفی می کنند، در غیاب تشکلات مستقل کارگری، منتخبینی از تشکلهای ضد کارگری وابسته به رژیم مانند خانه کارگر و شورای اسلامی کار هستند. و بنا بر قوانین مربوط به شورای عالی کار ایران، نمایندگان کارگران برای حضور در شورای عالی کار، می بایست منتخبین کانون عالی شوراهای اسلامی کار باشند. این بدین معناست که اساسا این نوع سه جانبه گرایی در ایران معنائی جز یک ائتلافی از نیروهای ضدکارگری ندارد.

در میان امضاکنندگان نام برخی فعالان کارگری غیردولتی هم دیده میشود که به حمایت از کار صددرد قانونی، در چهارچوب قوانین جاری اعتقاد داشته و هر اقدامی برای ایجاد تشکلات مستقل کارگری را "خطرناک" و "ماجراجویی صرف" میدانند. باید یادآوری کرد که اگر کارگران اسپانیا

## کارگران جهان متحد شویم!

در دوران فاشیسم، کارگران معدن آفریقای جنوبی در زمان آپارتاید و یا کارگران کره جنوبی و شیلیایی در دوران دیکتاتوریه‌های نظامی به روش نسخه پیچ شده این دوستان "غمخوار" جنبش کارگری عمل کرده و خود را محاط در قوانین حاکم میکردند هرگز موفق به ایجاد اتحادیه‌ها و تشکلات نیرومندی که برپا کردند نمیشدند و آن تاثیر سنگین در مبارزات سیاسی - اجتماعی کشورهای خودشان را نمی گذاشتند.

نهاد های همبستگی در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۹۸ برابر ۱۰ فوریه ۲۰۲۰، در اعلامیه خود در رابطه با تعیین دستمزد کارگران برای سال ۹۹ به نقد خاطر نشان کرده بودند که: «افزایش واقعی دستمزد ها در گرو اعتراضات، اعتصابات و هر چه متشکل تر شدن طبقه کارگر است»، ما بر آنیم؛ «دستمزد یکی از مطالبات اساسی طبقه کارگر ایران است، اعتراضات و اعتصابات برای دریافت دستمزدهای معوقه و افزایش آن یکی از عرصه های مهم مبارزات اقتصادی کارگران بر علیه دولت سرمایه داری اسلامی تا به امروز بوده است.» و همچنین بر آن بوده و هستیم که «کل تاریخ مبارزه طبقه کارگر بر علیه سرمایه داری تا به امروز گواه این است که هیچگاه سرمایه داری به تمایل و خواست خود به مطالبات طبقه کارگر تن نداده، بلکه تمامی پیشرویهای طبقه کارگر با مبارزه متشکل بدست آمده است. کارگران می‌توانند و باید با اتکاء بر نیروی خود، نه تنها مطالبات روزمره و واقعی‌شان از جمله افزایش دستمزدها را به سرمایه‌داران و حافظان منافع‌شان تحمیل کنند، بلکه در ادامه به نابودی سلطه سرمایه و اساس کارمزدی مبادرت ورزند. « بنابراین بدیهیست که از نظر ما بازگست به میز مذاکره در شرایط توازن قوای امروز معنائی جز صحه گذاشتن به نقش مزورانه خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که در واقع امر بخش مهمی از ابزار سرکوب و کنترل رژیم اسلامی در میان کارگران هستند، ندارد.

این ائتلاف عملی در تومار نویسی برخی از "غمخواران" جنبش کارگری با نمایندگان نهادهای ساخته رژیم، که با فروریزش گسترده اعضا و هواداران خود روبرو بوده و برای "کسب حیثیت" دست و پا میزنند، به تمامی در مقابل خواسته های توده کارگران و فعالان مستقل جنبش کارگری قرار داشته و محکوم است. این اقدام نه تنها کوچکترین کمک عملی و واقعی به پیشبرد اهداف کارگران نمیکند بلکه با ایجاد توهم نسبت به "صلاحیت" به اصطلاح "نمایندگان" کارگران در شورای کار، آب به آسیاب نهادهای پلیسی و امنیتی رژیم می ریزد.

بالا بردن پرچم جنبش مستقل کارگری و درخواست تعیین نمایندگان کارگران توسط خود کارگران تنها پاسخ مشخص و درست در مقابل این اقدامات و تومار نویسی هائی هست که هم بی ثمر است و، هم خاک به چشم توده کارگران می پاشد و هم به تقویت نهادهای پلیسی چون خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار یاری میرساند. کارگران ایران، همانطور که کارگران هفت تپه، شرکت واحد، معادن کرمان، هپکو، پتروشیمی، فولاد اهواز و.... نشان داده اند تنها با مبارزه علیه قوانین و نهادهای ضد کارگری حاکم و تشکیل نهادهای مستقل خود است که میتوانند از خواسته های بحق خود دفاع کنند.

## زنده باد اتحاد و همبستگی مبارزاتی - طبقاتی کارگران ایران

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

24 ماه مه 2020

<http://nahadha.blogspot.com/>

<https://t.me/nahadhayehambastegi>



## جنبش کارگری به یک پیروزی دیگر دست یافت!

کلیه اتهامات بی پایه به کارگران هفت تپه و بازداشت شدگان روز کارگر لغو گردید.

جمعی از محکوم شدگان به اصطلاح اتهام نخ نمای "امنیتی" از جمله: تعدادی از دانشجویان، برخی از کارگران هفت تپه و مدافعان کارگران هفت تپه فعالان نشریه گام و چند نفر از بازداشت شدگان روز کارگر در لیست عفو قرار دارند.

بنا به گفته وکیل جسور و یار کارگران، خاتم فرزانه زیلابی، منتشره در کانال تلگرامی کارگران هفت تپه، علی نجاتی، اسماعیل بخشی و محمد خنیفر در این لیست هستند و منتظر ابلاغ کتبی میباشند.

این پیروزی نیز مدیون مبارزه متحد، متشکل و پیگیرانه کارگران است که در مقابل ارتجاع حاکم لحظه ای از مبارزه درنگ نکرده و مصمم به کسب حق و حقوق خود سازمانیافته پافشاری نمودند.

این خبر در شرایطی اعلام گردیده است که صاحبان و سرمایه داران دزد و اختلاسگر در هفت تپه، در راس آنان اسد بیگی و شرکایش، با مبارزه کارگران و فشارهای مداومشان، دستگاه قضایه را مجبور کردند تا این پارازیت‌های سرمایه دار را، به پای میز محاکمه بکشانند.

این پیروزی را به کارگران مبارز هفت تپه و کلیه کارگران در ایران تبریک گفته و تا آزادی کلیه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بی قید و شرط، بی وثیقه و کسب دیگر خواسته ها و مطالبات کارگران، مبارزه را ادامه خواهیم داد.

### زنده باد مبارزه متشکل و متحد کارگران!

### زنده باد همبستگی کارگری!



<http://nahadha.blogspot.com/>  
<https://t.me/nahadhayehambastegi>  
24 می 2020

# خصوصی سازی ، حراج زندگی

پس از پایان جنگ هشت ساله ، خصوصی سازی در ایران رویکرد اصلی دوران "سازندگی" شد و مفری برای مسئولین تکیه زده به قدرت را فراهم آورد که خود با موقعیت و جایگاهی که دارند دست بکار غارت و چپاول اموال و سرمایه های دولتی تحت نام خصوصی سازی شوند و در این راه از هیچ ترفند و زد و بند و سناریو سازی و رشوه و اختلاسی هم دوری نکردند.

سرمایه ها و اموال دولتی طبق قوانین موجود، حسب ظاهر، مشمول روش های نظارتی مجلس و سازمان بازرسی کل کشور و سازمان برنامه و بودجه و امثالهم قرار می گرفت. اما با دست اندازی بر بخشهای زیادی از این ثروت ، مالکیت از دولت با رانت و فساد به افرادی در دایره قدرت و ثروت منتقل شد و از شمولیت همین اندک قوانین دست و پاگیر موجود هم رهایی یافت.

گرچه به کارگر ربطی نداشت که کدام بخش از سرمایه سودهای حاصله را میخورد. نه بخش خصوصی ، نه بخشهای دولتی ، نه سرمایه دار داخلی . نه سرمایه دار خارجی!! با سلطه هریک به لحاظ مالکیت حقوقی، سیستم استثمار سر جایش باقی می ماند. اما نتایج مخرب رویکرد "بازار آزاد" بر معیشت مزدبگیران جامعه، زندگی میلیونها نفر را به تباهی کشاند.

جنبش علیه خصوصی سازی به این دلیل آغاز شد که انتقال از مالکیت دولت و وزارتخانه ها به اشخاص حقیقی و خصوصی برابر بود با تعرض گسترده به سطح معیشت و زندگی مردم. قبل از همه برابر بود با تعدیل نیروی انسانی یعنی بیکار سازی. برابر بود با بازپس گیری همه امکانات و امتیازات قانونی که طبقه کارگر ایران طی سالها مبارزه بدست آورده است. برابر بود با خارج کردن بخشهایی از طبقه کارگر از شمولیت قانون کار. برابر بود با فقر و فلاکت عمومی نیروی کار مزدی. برابر بود با گسترش قراردادهای موقت و سفید امضاء و برابر بود با عدم امنیت شغلی و دغدغه دائم نیروی کار و ترس از اخراج و سرکوب.

ابعاد این هجوم بازار آزاد و خصوصی کردن نه تنها بخشهای تولیدی ، بلکه سایر عرصه های زندگی اجتماعی از جمله خدمات عمومی، بانک ها، سیستم آموزشی در تمام مقاطع ، بهداشت و درمان و عرصه سلامت عمومی و چنگ اندازی به هر آنچه که میتوانست سود خصوصی را ممکن کند، دربر گرفت. تمامی این روند بر متنی از فساد گسترده و عمیق شدن شکاف طبقاتی بیرحمانه ای با تشدید سرکوب به پیش رانده شد.

هجوم و دست اندازی سرمایه داران ریز و درشتی که با شبکه هزرتوی قدرت ارتباط داشتند به همه عرصه های زندگی اجتماعی ، شرایط فلاکتباری برای مردم و موجی از خشم و نفرت و اعتراض عمومی را در سطح سیاست جامعه به حرکت درآورد.

جامعه بخاطر این تعرضات به زندگی و تشدید بیحقوقی و بیکاری و فشارهای معیشتی و اجتماعی است که علیه خصوصی سازیها مقاومت و مبارزه میکند. نتایج این رویکرد پس از حدود سه دهه از شروع آن، امروز در جریان بحران اپیدمی و ویروس کرونا بشکلی عریان تر خود را نشان میدهد!

بازنشستگان ایران از این سونامی بازار آزاد و خصوصی، صدمات ویران کننده ای را تجربه میکنند. مقاومت در مقابل این سیاست با دفاع از منافع معیشتی برای بهبود زندگی، به یک مطالبه اساسی و محوری ما بازنشستگان تبدیل شده است.

شورای بازنشستگان ایران

## جنایتی دیگر علیه افغانستانی ها در ایران

بیش از 10 افغانستانی بر اثر تیراندازی نیروهای رژیم جمهوری اسلامی زنده زنده در آتش سوختند.

تیراندازی نیروهای مسلح رژیم در « کمربندی یزد نرسیده به پل کنار گذر در جاده بافق » کشته و زخمی شدن 16 افغانستانی را به دنبال داشته که اکثر آنها در آتش سوختند. نیروهای رژیم با دیدن آتش گرفتن خودرو توقف نکردند و از صحنه جنایت فرار کردند. اکثر سرنشینان خودرو زنده در آتش سوختند!

## حمله فاشیستی رژیم اسلامی علیه کارگران افغانستانی در ایران در روز جهانی کارگر!

روز اول ماه مه، مامورین مرزبان رژیم جمهوری اسلامی طی یک حمله فاشیستی، حدود شصت نفر از اتباع افغانستان که برای کار در ایران از طریق مرز "ذوالفقار" قصد داشتند، وارد ایران شوند را محاصره و بازداشت نمودند.

مرزبانان این کارگران افغانستانی را وحشیانه مورد آزار و شکنجه و ضرب و شتم قرار داده، سپس همه آنها را سوار خودرو کرده و به نزدیکی رودخانه "هلیل رود" آوردند و همه آنها را به داخل آب انداختند. این در حالی بود که شماری از آنها که در میان شان کودک نیز مشاهده میشد، شنا بلد نبودند. متأسفانه تنها نیمی از این کارگران افغان نجات پیدا کرده و بیش از بیست نفر کشته و یا ناپدید شده اند. تا کنون جسد چند نفر از آنها که یکی شان کودک بوده در ساحل این رودخانه پیدا شده است. این اولین بار نیست که پاسداران و مرزبانان جمهوری اسلامی ایران اقدام به شکنجه و ضرب و شتم کارگران و پناهجویان افغانستانی میکنند. این رژیم ضد انسان، بطور مداوم در حال اذیت و آزار و اخراج مهاجرین و پناهجویان افغانستانی است. رژیم فاشیستی اسلامی در ایران عامل بیکاری در ایران کشور را کارگران مهاجر معرفی میکند که در راهپیمائی عوامل خانه کارگر در روز کارگر شعار اخراج کارگران افغانستانی داده میشود. این رژیم فاشیست بیشترین سواستفاده را از جوانان افغانستانی در جنگ در سوریه در قبال وعده اقامت آنها در ایران نمود و هزاران جوان افغانستانی جان خود را از دست دادند.

کارگران افغانستانی مقیم در ایران به عنوان یک بخش از طبقه کارگر ایران جزء بی حقوق ترین افراد جامعه اند و به علت دستمزدهای بسیار نازل بالاترین سوددهی را برای سرمایه داران ایرانی و حکومت منفور جمهوری اسلامی داشته اند. اما آنچه نصیب کارگران مهاجر در ایران میشود، بی هویتی، بی خانمانی، تبعیض، تحقیر، فقر و فلاکت و ناامنی و عدم برخورداری از حقوق شهروندی می باشد. چماق فاشیستی حکومت سرمایه اسلامی تمام مدت بالای سر این کارگران و خانواده هایشان قرار دارد.

مهاجران افغانستانی نه تنها هنگام عبور از مرزها توسط جنایتکاران سرمایه کشته میشوند؛ بلکه در داخل ایران نیز در معرض تبعیض دائم از طرف ارگانهای دولت جمهوری اسلامی و کارفرماها قرار می گیرند و حقوق انسانی شان پایمال می شود.

برخورد جدی با پناهندگان افغانستانی تحت عنوان اتباع بیگانه در شهرهای متعدد و مانور دولتی و رسمی روی این مسأله که کارگران افغانستانی مانع فرصت های شغلی برای نیروی کار ایرانی هستند؛ اتهام اغلب جنایات به مهاجرین افغانستانیها، سبب شده هزاران افغانستانی را شتابزده از کشور اخراج کنند، بدون اینکه فرصت یابند از حق شهروندی خود دفاع و یا آن را ثابت کنند یا درخواست پناهنجویی دهند. بر طبق گفته خود سران رژیم طی 10 سال گذشته حدود 5 میلیون نفر را به افغانستان اخراج کرده اند.

اعمال نژاد پرستانه و تبعیض آمیز در ایران نه تنها از طرف دولت به آن مشروعیت و حقانیت داده شده، حتی در جامعه طوری نهادینه شده که فرهنگ حاکم در جامعه بر علیه حضور کارگران افغانستانی در جامعه اعمال میشود و مردم آن را با اعمال خشونت آمیز و رفتار بشدت تحقیر آمیز نسبت به پناهندگان نشان می دهند، و هیچ قانون و یا حمایتی برای محافظت از افغانستانی ها در برابر خشونت های فیزیکی ناشی از حملات وحشیانه بر علیه آنها، و نیز مجازات عاملین اینگونه اعمال غیر انسانی موجود نیست.

این اولین بار نیست که، چهره فاشیستی رژیم اسلامی در رابطه با مردم زحمتکش افغانستان به مثابه حلقه ضعیف نیروی اجتماعی کار در ایران خود را به نمایش می گذارد. در حدود چهار دهه است که با حقوق ناچیز، استثمار وحشیانه و انجام شاق ترین کارها کارگران و زحمتکشان افغانستان تحت فشار هستند. آنان به آشکارترین شکل از ستم ملی و طبقاتی رنج می برند. کارگران افغانستانی از دهه پنجاه در ایران تحت شدیدترین شرایط کاری استثمار میشوند و از بی حقوقی کامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در عذابند و در معرض دستگیری و اخراج دائمی قرار دارند.

البته فاجعه به آب انداختن این تعداد از زحمتکشان افغانستانی توسط مرزبانان جنایتکار رژیم فقط مختص به افرادی از یک کشور بیگانه ختم نشده، بلکه مزدوران جمهوری اسلامی همین اعمال شنیع را با مخالفان خود که در اسارت هستند بارها انجام داده، و هنوز اجساد افراد معترض و زندانی در سدها و رودخانه ها پیدا میشود. برای نظام دیکتاتور جمهوری اسلامی شهروند خودی و غیر خودی فرق ندارد، هر مخالف و نیروی کاری را که نخواهند، سرکوب می کند.

این رفتار غیر انسانی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی یادآور رفتار اروپایی های قرون وسطی و آلمان نازی با یهودی ها، رفتار نژادپرستان سفید پوستان در امریکا و آفریقای جنوبی دوران آپارتاید با سیاه پوستان است. در برابر برخوردهای تبعیض آمیز مهاجر ستیزی که از عمق شکاف طبقاتی و شدت یابی بحران های فراگیر اقتصادی و سیاسی هر دم بیرون می زند، کارگران آگاه و کمونیست به خوبی می دانند که تنها گزینه استراتژیکی برای افساء نمودن ایده های ضد انسانی تبعیض نژادی و اقدامات تبهکارانه فاشیست ها و خالقان آن مبارزه بر علیه آنها و نظام سرمایه داری است.

سازماندهی سراسری بر علیه این سیاستهای فاشیستی و مهاجر ستیزی جمهوری اسلامی وظیفه خطیری را به عهده کارگران سوسیالیست ایرانی و افغانستانی می گذارد که ضمن افشای اهداف رژیم سرمایه داری در ایران، وحدت طبقاتی همه کارگران را در محل کار و زندگی اشان مستحکم کرده و نشان دهند که منافع کارگر ایرانی و افغانستانی بهم گره خورده است. کارگران به عنوان شهروند مستقل از زبان و رنگ و نژاد و اعتقادات و غیره هر جا که زندگی و کار می کنند، جزو شهروندان آن جامعه هستند و می بایست از امکانات شهروندی آن محل برخوردار شوند.

## زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران ایران و افغانستان

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

<http://nahadha.blogspot.com/>

<https://t.me/nahadhayehambastegi>

می ۲۰۲۰

## اعلام موجودیت شورای همبستگی با پناهجویان و پناهندگان ایرانی ترکیه

متن اطلاعیه

هیئت موسس شورای همبستگی حدود سه ماه پیش به همت و کوشش تنی چند از دوستان پناهمو شروع به کار کرد. هدف از این شورا پیگیری مسایل و مشکلات پناهجویان است و به این منظور تلاش میکند با تمام نهادهای حقوق بشری و دخالتگر در پروسه پناهندگی ارتباط برقرار کرده و برای جلب حمایت آنها کوشش کند. ماحصل نشستهای پیاپی و منظم که بصورت آنلاین با تعداد زیادی از پناهجویان و پناهندگان ساکن ترکیه صورت گرفت اساسنامه‌ای است که اهداف و رویکردهای شورای همبستگی را بازتاب می‌دهد. پس از تایید اساسنامه، در تاریخ ۲۳ می ۲۰۲۰ اولین مجمع عمومی شورا برگزار و ۵ عضو هیئت اجرایی و یک نفر بعنوان ناظر برای یک دوره کاری یکساله انتخاب شدند.

در همین راستا شورای همبستگی با پناهجویان و پناهندگان ضمن دعوت به همکاری و همیاری از تمامی افراد و نهادهای مستقل که در راستای منافع پناهجویان فعالیت می‌کنند درخواست می‌کند که برای رسیدن به حقوق از دست‌رفته پناهجویان ما را در این مسیر همراهی کنند. چراکه تنها با کار جمعی و مشترک می‌توانیم قدم‌هایی در راستای منافع پناهندگان برداریم.

همچنین شورای همبستگی در نظر دارد، ضمن حفظ استقلال خود، با فعالین و روزنامه‌نگاران، وکلای مهاجرت، سازمان‌ها و نهادهایی که در امر پناهندگی دخالت دارند ارتباط برقرار و وارد پروسه کار مشترک گردد. در نهایت، از همه مجامع بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری درخواست حمایت داریم و امیدواریم که رسیدگی به روند پرونده پناهنده‌ها سریع‌تر جریان یابد و این روند تبعیض‌آمیز و طولانی متوقف شود تا تکتک پناهجوها بتوانند زندگی جدید خود را در یک کشور امن آغاز کنند.

منتخبین هیئت اجرایی شورا:

آقای عمر مینایی، خانم فرزانه جلالی، آقای ناصر کمانگر، آقای یدالله باقری و آقای فرید رشتی زاده. از آقای شهرام مستوفی نیز به عنوان ناظر شورا یاد شده است.

<http://www.facebook.com/iranian.solidarity.75>

<https://t.me/Iranrefugeessolidarity>

<https://refugeesright.blogspot.com>



## «سخنرانی برتولت برشت در نخستین کنگرهٔ جهانی نویسندگان»، «پاریس، ژوئن ۱۹۳۵»

فاشیسم معتقد است که در تربیت افراد کوتاهی شده. فاشیسم امید فراوانی به نفوذ در مغز انسان‌ها و تسخیر قلوب آنها بسته است. فاشیسم، تعلیم خشونت در مدارس، روزنامه‌ها و تأثرها را به خشونت حاکم در شکنجه گاه‌های خویش می‌افزاید.

آری، فاشیسم تمامی ملت را چنین تربیت می‌کند و در تمام طول روز، بی‌وقفه بدین امر مشغول است.

فاشیسم نمی‌تواند چیز زیادی به‌تودهٔ مردم بدهد، چون سخت سرگرم «تربیت» انسان‌هاست.

غذائی برای مردم ندارد، پس باید تقویت اراده و غلبهٔ بر نفس را تبلیغ کند. نمی‌تواند امر تولید را سر و سامان ببخشد و به جنگ نیاز دارد، پس باید به تقویت جرأت و روحیهٔ رزمندگی پردازد.

به فداکاری نیازمند است، پس باید به تشویق حس فداکاری در افراد دست بزند. اینها هم برای خود آرمان‌هایی هستند، توانائی‌هایی که از انسان‌ها خواسته می‌شود و بعضی نیز حتی آرمان‌ها و خواست‌های متعالی به شمار می‌آیند.

ولی ما می‌دانیم که این آرمان‌ها در خدمت کدامین هدف است، تربیت‌کننده کیست و چه کسانی از چنین تربیتی بهره می‌گیرند: بی‌شک بهره‌گیران، تربیت‌شوندگان نیستند.

«برتولت برشت»



# تصویر آسیه پناهی زن حاشیه نشینی که در دفاع از خانه اش کشته شد



# اعتراضات در لبنان؛ معترضان خواستار خلع سلاح حزب‌الله و استعفای دولت شدند!

لبنان روز شنبه ۶ ژوئن شاهد تظاهرات قدرتمند ضد حکومتی در بخش‌های مختلف بیروت بود. تظاهرکنندگان از صبح روز شنبه از مناطق مختلف لبنان از جمله طرابلس، کسروان و المتن در شمال، از بیروت و بقاع گرفته تا جنوب لبنان از شهرهای صیدا و نبطیه سوار بر ده‌ها اتوبوس به مرکز بیروت آمده بودند.

فراخوان دهندگان تظاهرات قبلاً اعلام کرده بودند که اعتراضات امروز صرفاً به هدف طرح مطالبات معیشتی نیست بلکه آنها خواستار استعفای دولت و خلع سلاح شبه‌نظامیان حزب‌الله، گروه تروریستی مورد حمایت جمهوری اسلامی، نیز می‌باشند.

بدنبال تلاش معترضان برای حرکت به طرف مجلس این کشور نیروهای ارتش لبنان برای ممانعت از پیشروی آنها اقدام به تیراندازی و شلیک گاز اشک‌آور کردند. تلاش تظاهرکنندگان برای ورود به منطقه مجلس چند ساعتی ادامه داشت که در نهایت تبدیل به جنگ و گریز شد. تظاهرات کنندگان حین پیشروی با گروهی از گروه‌های تروریستی امل و حزب‌الله در منطقه خندق العمیق نیز درگیر شدند.

لازم به توضیح است اعتراضات مردم لبنان از اکتبر سال ۲۰۱۹، علیه گرانی، فقر و بیکاری و افزایش مالیات‌ها آغاز شد و مردم دولت را متهم به فساد کردند. دو هفته بعد از آغاز اعتراضات موضوع استعفای دولت و برگزاری انتخابات و خلع سلاح حزب‌الله لبنان نیز تبدیل به خواسته‌های مردم شد. با شیوع کرونا برای سه ماهی وقفه در اعتراضات بوجود آمد. اعتراضات امروز در بیروت علاوه بر اعتراض علیه حکومت، فساد و اوضاع وخیم اقتصادی، اعتراضی مستقیم علیه گروه تروریستی حزب‌الله و دخالت جمهوری اسلامی در این کشور است. مردم لبنان نیز جمهوری اسلامی و گروه‌های اسلامی را یکی از عوامل مهم فقر و بیحقوقی خود میدانند و بشدت این جریانات را تحت فشار گذاشته‌اند.

معترضان برای روزهای آینده نیز فراخوان تظاهرات داده‌اند.

## شبکه های اجتماعی، مُخل آرامش مفسدین و سرکوبگران !!!

اولین جلسه دادگاه طبری (مقام ارشد قوه قضائیه در دوره آملی لاریجانی) بجرم پولشویی، جعل اسناد و ... بیژن قاسم زاده بازپرس صادر کننده حکم فیلتر تلگرام نیز در این دادگاه متهم است!! اکنون شفافتر شد که چه کسانی و با چه منفعت هایی شبکه های اجتماعی را فیلتر میکنند تا مانع شنیدن صدا و اعتراض مردم شوند.

## قاضی دزد فراری

قاضی غلامرضا منصوری، متهم ردیف نهم پرونده اکبر طبری و بازپرس سابق دادسرای کارکنان دولت و فرهنگ و رسانه، متواری شده و به دریافت رشوه بالغ بر ۵۰۰ هزار یورو متهم است.

## دریافت ویلای لوکس ۴۲۰ میلیاردی در قبال فرار یک متهم

نماینده دادستان در اولین جلسه رسیدگی به اتهامات اکبر طبری: اکبر طبری در طول حدود ۲۰ سال حضور در قوه قضائیه علیرغم این که رابطه استخدامی نداشته و مامور به خدمت بوده، اقدامات مجرمانه وسیعی را رقم زده است. وی با تشکیل گروه مجرمانه و مراودات ناسالم و تبانی با صاحبان پول و ثروت موجب شد تا دفتر وی به عنوان کانونی جهت مراجعه برخی از متهمان برای حل پرونده خود، تبدیل شود. طبری با اعمال نفوذ در پرونده های بستگان، رجال سیاسی و متهمان کلان اقتصادی با اعمال نفوذ در مراجع قضایی و دستگاه های اجرایی حداکثر سوء استفاده مالی و اداری را به دست آورده است.

## بابک زنجانی مورد عفو و بخشش قرار خواهد گرفت!

گفته می شود جزئیات بازپرداخت بدهی های بابک زنجانی "مجرمانه" است. رسول کوهپایه زاده؛ وکیل بابک زنجانی درباره خبر آزادی او گفت: "از آزادی ایشان مطلع نیستیم، من هم در فضای مجازی چیزهایی دیده ام" اما "مدتی است تلاش های قابل توجهی برای بازپرداخت بدهی های آقای زنجانی صورت گرفته است". بابک زنجانی از طریق رانت و اختلاس و... به یک مولتی میلیاردی تبدیل شد. قرار است آزاد شود او از نابودکنندگان منابع و ثروتی است که به مردم این سرزمین تعلق دارد. امثال او زیادند که در زندان شاهانه زندگی می کنند و عده ای از آنها به مرخصی می آیند و دیگر بر نمی گردند. اما محمد حبیبی، سهیل عربی، آرش صادقی، مریم اکبری منفرد، آتنا دانمی و... به دلیل بیان اعتراض خود برای مطالبات صنفی، سیاسی و عقیدتی در دوران ورود به موج دوم کرونا، باید در زندان و در غیر انسانی ترین شرایط به سر بپرند.

## فساد و دزدی گسترده در بالا

### فقرو فلاکت مردم، پنج اخلاکگر اقتصادی به زندان معرفی شدند.

علی دیوانداری فرزند علی، بهروز مختاری فرزند غلامعلی، مهدی فلاحتیان فرزند اصغر، حسین ابوالحسنی فرزند علی اکبر، اسماعیل احدی فرزند صفی الله به زندان معرفی شدند. مشارکت در اخلاک عمده در نظام اقتصادی از طریق تشکیل و سرکردگی شبکه کلاهبرداری و خیانت در امانت به بانک ملت و پارسیان به مبلغ ۱۶ هزار دلار و مشارکت در قاچاق حرفه ای ارز از طریق سفرهای مجرمانه و دریافت مبلغ ۵۰۰ هزار یورو از طریق شرکت داریس از اتهامات متهم اصلی این پرونده است.

### بانک جهانی در مورد تأثیرات کرونا: ۶۰ میلیون نفر دچار فقر شدید می شوند.

به گفته او بیش از ۶۰ میلیون نفر از مردم جهان با درآمد روزانه کمتر از یک پوند زندگی می کنند. پیش از این بانک جهانی پول نسبت به گسترش فقر شدید پس از شیوع کرونا هشدار داده و اعلام کرده بود: «شیوع کرونا ۶۰ میلیون نفر را به سمت «فقر شدید» سوق می دهد». بانک جهانی معیار فقر را درآمد روزانه کمتر از ۱٫۹۰ دلار معادل ۱٫۵۵ پوند می داند.



## مهاجران افغانستانی، سال‌هاست که نمی‌توانند نفس بکشند!

یازدهم اردیبهشت ۱۳۹۴ بود که تجمع اول ماهمی از سوی خانه‌ی کار شعارهایی با محوریت دوگانه‌سازی کارگر ایرانی و افغانستانی و قرانت قطعه‌نامه‌ی خانه‌ی کارگر همراه شد و شعار و پلاکاردهای «کارفرما حیا کن، افغانی را حیا کن» در کنار یکی مفاد قطع‌نامه قرار گرفت: «از کارگر ایرانی در برابر کارگر خارجی، به شدت حمایت شود».

مقصر جلوه دادن کارگران افغانستانی در برابر کسادی بازار کار کارگران ایرانی، رویه‌ی جدیدی نیست. چنین سیاست‌های کلان نژادپرستانه‌ای نمود عینی خود را در تمامی زیست، معیشت و جان کارگران و مهاجران افغانستانی در ایران نمایان ساخته است.

فروپاشی اقتصادی و سقوط ارزش پول ایران در کنار اخراج گسترده‌ی نیروهای کار، موجب شد تا در شهریورماه سال گذشته، موج سوم خروج ۲۸۳ هزار نفری کارگران افغانستانی از شهرهای ایران رقم بخورد. اما تثبیت این دوگانه‌سازی نژادی، تماما سیاسی و متکی بر عملکرد دولت‌های گوناگون حکومت اسلامی است.

در کنار اخبار روزانه از حوادث کارگری، فقدان ایمنی در محیط کار و مرگ کارگران، سهم از دست دادن جان کارگران و کودکان کار افغانستانی هم‌پا با مرگ همان کارگران ایرانی است که سعی در جداسازی‌شان دارند. یکی از آخرین موارد، مرگ ۵ کارگر مهاجر افغانستانی در پی آتش‌سوزی یک گلخانه در نزدیکی کارخانه‌ی قند دهرسرخ (مبارکه) اصفهان بود. مرگی با سوختگی بالا که مانع از تشخیص هویت آنان شده بود. شرایط کار در فقدان ایمنی، نبود بیمه و «بیگانه» انگاری نیروی کاری که ارزان قیمت تلقی می‌شود، وضعیت جان و سلامت کارگران مهاجر را سال‌هاست که بدل به فاجعه کرده است.

محرومیت از حق تحصیل کودکان افغانستانی و استثمار آنان توسط سازمان شهرداری تهران جهت تکمیل نیروی کار زباله‌گرد خود و از سویی رد مرز وحشیانه‌ی آنان، به‌عینی‌ترین وجه ممکن به یک جنایت عادی‌سازی شده در کشور ما بدل شده است.

این فاشیسم ساختاری و روزمره که به مدد تولید انبوه سریال‌ها و فیلم‌ها و تثبیت گفتمانی نژادپرستانه‌ی قشری از سلبریتی‌های حکومتی از تریبون‌های آنها هم پخش می‌شود، در میان اعتراضات و واکنش‌های محدود فعالان سیاسی، جای خود را در «فرهنگ عامه‌ی برتری انگاری نژادی علیه افغانستانی‌ها» بیشتر باز می‌کند! دامنه‌ی این توهین و برتری طلبی عیان به‌قدری است که زندگی مهاجران و کارگران افغانستانی را در ایران بدل به فاجعه و «پذیرش اجباری آن فاجعه» کرده است.

ماهیت، کالبد و نیروی کار آنان برای حکومت در منطق سرمایه‌دارانه و نظامی، مساوی با سود مطلق است. بهره‌کشی از مهاجران افغانستانی و خریدن خون آن‌ها با گزاره‌ی حضور در لشکر فاطمیون و مدافعین حرم در ازای اقامت دائمی خانواده‌های آنان در ایران بر چه کسی پوشیده است؟

آیا شکنجه و کشته شدن پنجاه تن از مهاجران افغانستانی توسط ماموران مرزبانی ایران، حتی در بخش رسانه‌ای به تکانه‌ای جهت تغییر این فاشیسم ریشه‌ای بدل شد؟ کارگرانی که بعد از ضربات کابل و شکنجه در هریرود (مرز ایران و افغانستان) انداخته شدند. قتل غم انگیز آنان در کنار مرگ و سوختن یک خودروی حامل مهاجران افغانستانی با شلیک پلیس نیروی انتظامی در یزد، آیا کمتر از کشته شدن فاشیستی جرج فلویید به‌دست پلیس راسیست آمریکایی است؟ و اگر خیر، پس چگونه می‌توان روند عادی‌سازی از ستم و کشتار مهاجران افغانستانی در ایران را «همانند قتل جرج فلویید» نخواند؟

مهاجران و کارگران افغانستانی و کودکان‌شان به‌صورت هر روزه مورد تحقیر نژادی و استثمار قرار می‌گیرند و نیروی کار ارزان قیمت‌شان، جیب سرمایه‌داران و کارفرمایان و جان‌شان نیز به تثبیت موقعیت نظامی/ایدئولوژیک در منطقه بدل می‌شود.

مرگ، شکنجه‌ی با کابل و سوختن آن‌ها بدل به هیچ آکسیونی نمی‌شود، اتحادی را پیرامون ایستادگی علیه فاشیسم خلق نمی‌کند، هشتگ جهانی‌شان ترند نمی‌شود ولی می‌بایست علیه این استبداد ایستاد، می‌بایست ابعاد زیستن در هراکامیت را کاملا عیان‌تر ساخت تا دیگر ناظرین و دل‌سوختگان اعتراضات اخیر جهانی نیز بدانند که مهاجران افغانستانی سال‌هاست که نمی‌توانند نفس بکشند!

«متن از گروه نویسندگان - سرخط»



## پیام مهدی فراخی شاندیز

# در باب اهمیت بیستم ژوئن برابر با سی ام خرداد روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

بیستم ژوئن برابر با سی خرداد یادآور جنایت وحشیانه سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی در دهه شصت قتل عام هزاران انسان مبارز و آزادیخواه در زندان ها و سلول های انفرادی روز کیفرخواست و دادخواهی علیه جمهوری جنایتکار جهل و جنون اسلامی ، روزی برای ما زندانیان سیاسی است و فرصتی است که صدای ما جهانی شود.

جمهوری اسلامی طی ۴۱ سال با فشار ، ارباب ، تهدید ، شکنجه ، زندان ، اعدام و باتبعید و رعایت نکردن قوانین تفکیک جرایم میخواهد مارا به سکوت وادارد کند.

ما زندانیان برای خواست مطالبات اولیه انسانی و نداشتن آزادی بیان به زندان ، حبس های ناعادلانه و اعدام محکوم شده ایم.

جای خوشحالیست که چنین روزی به همت کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران تعیین شده و ما زندانیان سیاسی انتظار بیشترین حمایت ها را از مردم در این روز داریم.

جرم ما برای یک زندگی بهتر ، شاد ، انسانی عادلانه و همراه با آزادی و برابری است . جرم ما ایستادن در مقابل این همه بی حقوقی ها ، دزدیها ، چپاول ، غارت و فساد سیستماتیک در جامعه است .

جرم ما برای ایجاد تشکلهای مستقل خودمان است تا با نیروی قدرتمند خود حقوق پایمال شده مان را طلب کنیم.

بیستم ژوئن امسال روزی برای پایان دادن به احکام ناعادلانه ای است که به فعالین کارگری ، معلمان ، فعالان مدنی و حقوق بشری و دستگیر شدگان اعتراضات به حق آبان ماه تحمیل کرده اند.

در این روز مهم خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی هستیم.

روزی برای لغو احکام اعدام هدایت عبدالله پورها و همه بازداشت شدگانی است که در جریان اعتراضات آبان ماه دستگیر و بازداشت شده اند و با احکام غیر عادلانه اعدام روبرو شده اند.

من مهدی فراخی شاندیز ، زندانی سیاسی به نمایندگی از زندانیان ندامتگاه کرج از همگان میخوام که در روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران ، بیستم ژوئن ، برابر با سی و یکم خردادماه حضور بهم رسانند تا در ابعاد جهانی صدای دادخواهی هزاران هزار خانواده های زندانیان سیاسی باشیم که بدست تروریست های جمهوری اسلامی قتل عام شدند.

از همه خانواده های زندانیان سیاسی و عقیدتی میخوام متحد و منسجم که به این صف دادخواهی تعلق دارند ، بیوندند .

قدردانیم که در این روز صدای ما زندانیان سیاسی هستید و ما را در زندان نیز تنها نمی گذارید.

مهدی فراخی شاندیز

خرداد ماه ۱۳۹۹

## پیام به خانواده های

# جانباختگان و زندانیان سیاسی

رژیم کارگران را به اسارت میگیرد تا سازمانیابی اعتراضات کارگری را خفه کند، اما صدای بلند کارگران، رساتر به گوش جهانیان می رسد. میلیون ها کارگر دیگر هر روزه بی هراس از اخراج زندان به پیکار طبقاتی ادامه می دهند. "اتهام" نماینده های کارگران این است که از منافع هم طبقه ای های خود دفاع کرده و برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری تلاش میکنند. کارگران و زندانیان سیاسی با ادامه این مبارزات از درون زندان برحقانیت خود پای میفشارند و نشان میدهند که سرکوب، زندان و شکنجه رژیم کارآبی ندارد. حمله به تجمع و مراسم اول ماه مه و دستگیری کارگران اعتصابی و معترض و محاکمه در بیدادگاههای رژیم، نمایش ددمنشی دژخیمان اسلامی سرمایه داری بیش نیست.

رژیم کارگران، بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران، روزنامه نگاران، وکلای مدافع، هنرمندان، زنان فعالین محیط زیست و حقوق ملیت ها و ... را زندانی نموده، تا با ایجاد رعب و وحشت از عروج جنبش اعتراضی متحد جلوگیری کند و پایه های حکومت ننگین خود را نگهداری کند. اما زندان هم به عرصه مبارزه تبدیل شده است و نشان میدهد که جنبش های اجتماعی اقشار مختلف زنده است، می رزند و از پای نمی نشینند.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در طول قدمت ارتجاع اسلامی در ایران یکی از عرصه های اتحاد و همبستگی در جامعه بوده و هست و ضرورتا خانواده ها و بستگان زندانیان سیاسی و جانباختگان را هر چه بیشتر بهم نزدیک کرده است. از پی گیری وضعیت زندانیان تا رسانه ای کردن آن، از عکس العمل سریع و دائمی در جریان دستگیری تا ایجاد تجمع و کمپین های آزادی زندانیان سیاسی، عرصه ای بوده است که خانواده های زندانیان سیاسی سازمان داده اند و بیشترین نقش را در آن زنان بر عهده گرفته اند. گرامیداشت یاد عزیزان جانباخته در کشتار جمعی دهه شصت در خاوران، کمپین آزادی دستگیر شده گان پرونده هفت تپه و نیز دستگیر شده گان روز کارگر در تهران از نمونه های بارز مبارزه متشکل خانواده ها و بستگان دستگیر شده گان برای آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی بوده است. این مبارزه با رسانه ای کردن مطالبات زندانیان سیاسی و جانباختگان به اشکال مختلف توسط خانواده ها و دوستان و بستگان ادامه داشته و دارد.

ما در دوازدهمین مجمع عمومی حضوری نهادهای همبستگی، ضمن درود بر شما عزیزان، خود را در کنار شما میدانیم و در مبارزه برای آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و گرامیداشت جانباختگان از هیچ فعالیتی دریغ نخواهیم کرد. انعکاس صدای زندانیان، گرامیداشت یاد جانباختگان، بازتاب مبارزات خستگی ناپذیرشان و کوشش برای جلب گسترده ترین حمایت های بین المللی را وظیفه خویش میدانیم.

**یاد جانباختگان کشتار جمعی دهه 60 را گرامی می داریم!**

**با مبارزه متشکل کلیه زندانیان سیاسی را بدون قید و شرط آزاد می کنیم!**

**دوازدهمین مجمع عمومی**

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور**

<http://nahadha.blogspot.com/>

<https://t.me/nahadhayehambastegi>

آگوست ۲۰۱۹

## «۴ روز کاری در هفته» کافی است!

همزمان با افزایش شمار بیکاران به دلیل رکود اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا فعالیت کارزار جهانی «چهار روز کار در هفته» با هدف بهره بردن از شرایط فعلی بازار کار برای تغییر قوانین و مناسبات سنتی آن افزایش یافته است.

فعالان این کارزار بین‌المللی معتقدند که لغو قانون ۴۰ ساعت و ۵ روز کار در هفته ضمن افزایش کارآیی نیروی کار می‌تواند منجر به افزایش رفاه اجتماعی و رونق اقتصادی شود.

این ایده که مدتی بود به حاشیه رفته بود، بعلت شرایط کنونی جهانی، نا امنی اکثریت شهروندان جهان و ناکارآیی سیستم استثماری حاکم در جهان، موضوعیت بیشتری پیدا کرده است.

برای غلبه بر مشکلات اقتصادی حاصل از شیوع بیماری کووید ۱۹-، رشد شدید بیکاری و بی‌امنیتی شغلی و معیشتی در سراسر دنیا، با اجرای الگوی چهار روز کار در هفته، ضمن بهبود تعادل میان زمان کار و فراغت مردم، زمینه سلامت، امنیت و شادی شهروندان و نیز دخالت بیشتر آنها در تامین احتیاجات مورد نیاز جامعه بیشتر شده و تامین معیشت همگانی عملی خواهد شد.

سال گذشته شرکت آمریکایی مایکروسافت پس از آن که ایده چهار روز کاری در هفته را در یک شرکت تابع خود در ژاپن اجرا کرد، معترف شد که با رشد ۴۰ درصدی در این شرکت مواجه شده است. این آزمایش بخشی از پروژه ارزیابی ارتباط تعادل میان ساعت‌های کار و فراغت با بهره‌وری و خلاقیت نیروی کار بود.



بولتن ویژه دانشگاه نزدان و اختلاسگران هفت تپه! شماره 1

## بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

می 2020 - خرداد 1399

شماره 82

nkcommitteehamahangi@gmail.com  
http://nahadha.blogspot.com/  
bolunahaveri@gmail.com  
https://t.me/nahadhayehambastegi

### ویژه دانشگاه نزدان و اختلاسگران هفت تپه!

وقتی کارگران هفت تپه فریاد زدند که دست مقامات در اختلاس و غارت در هفت تپه در کار است و فریاد زدند، دزد به خانه ما زده است، دزدها تشویق شدند و کارگران سرکوب شدند و از کارگران فیلم اعتراف اجباری بخش کردند!

اما الان صدا و سیما و نیروهای "ارزشی" همگی در همکاری با داروسته روحانی، دسته جمعی سکوت اختیار کرده اند! این یعنی همه نیروهای حاکمیت در این ماجرا با هم همدست هستند!!!

رد پای روحانی رئیس جمهور، وزیر کار، وزیر امور خارجه، کمیسیون های مجلس، وزیر کشور، دبیر عالی شورای امنیت ملی و... در اختلاس و دزدی اموال عمومی هر روز عریانتر میشود!!!

دستهای "غیبی" نیز در خارج و داخل ایران فعال شده اند و با دادن اخبار دروغ به تشکلهای اتحادیه ای در خارج، کاسه نپسان سرمایه و کارفرمایان را میخوانند بعنوان نماینده کارگران جا بزنند!!!

شماره 82 | خرداد 1399 | متشکل شویم، سازماندهی کنیم

بولتن ویژه دانشگاه نزدان و اختلاسگران هفت تپه! شماره 2

## بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

ژوئن 2020 - خرداد 1399

شماره 83

nkcommitteehamahangi@gmail.com  
http://nahadha.blogspot.com/  
bolunahaveri@gmail.com  
https://t.me/nahadhayehambastegi

### ویژه دانشگاه نزدان و اختلاسگران هفت تپه!

وقتی کارگران هفت تپه فریاد زدند که دست مقامات در اختلاس و غارت در هفت تپه در کار است و فریاد زدند، دزد به خانه ما زده است، دزدها تشویق شدند و کارگران سرکوب شدند و از کارگران فیلم اعتراف اجباری بخش کردند!

رد پای روحانی رئیس جمهور، وزیر کار، وزیر امور خارجه، کمیسیون های مجلس، وزیر کشور، دبیر عالی شورای امنیت ملی، استاندار و... در اختلاس و دزدی اموال عمومی هر روز عریانتر میشود!!!

دستهای "غیبی" نیز در خارج و داخل ایران فعال شده اند و با دادن اخبار دروغ به تشکلهای اتحادیه ای در خارج، کاسه نپسان سرمایه و کارفرمایان را میخوانند بعنوان نماینده کارگران جا بزنند!!!

شماره 83 | خرداد 1399 | متشکل شویم، سازماندهی کنیم

ما را در توزیع وسیع بولتن اخبار کارگری نهادهای همبستگی به زبان انگلیسی یاری رسانید!

**AWNI** **Alternative Workers News-Iran**



a fortnightly Newspaper from:  
«solidarity committees with iranian workers movment - abroad»

وبلاگ بولتن اخبار کارگری به زبان انگلیسی را به نهادها و تشکلهای کارگری جهانی بشناسانید!

<https://alternativeworkersnews.wordpress.com/>

ما را در شبکه های اجتماعی از طریق زیر دنبال کنید

 @AWNInews

 @nahadhayehaba1

 t.me/nahadhayehambastegi

<http://nahadha.blogspot.com>